

APAGA

Quarterly

آباگا
فصلنامه

Հայ-իրանական մշակութային եւ հասարակական եռամսյա հանդես
An International Journal of Oriental Studies



وانک گانزاسار در آرتساخ (قراباغ)

ISSN 1682-5438

شماره ۵۹ پاییز (آذر) ۱۳۹۳

No. 59, December 2014

آپاگا فصلنامه بین المللی ایران‌شناسی و ارمنی‌شناسی

شماره ۵۹ پاییز ۱۳۹۳

صاحب امتیاز و مدیر مسئول

ادیک باغدادساریان

صندوق پستی شماره ۹۴۸۸-۱۵۸۷۵

تهران - ایران

نشانی اینترنت www.apagaonline.com و www.apagamonthly.4t.com

apaga98@hotmail.com

پست الکترونیکی

ISSN 1682-5438

فهرست

فارسی اقوام و مردمان ایران

ارمنی قرارداد ننگین آلكساندراپل

انگلیسی حکومت ترور و وحشت - کشتار ارمنیان

مقالات و دیدگاه‌های مندرج در نشریه لزوماً بیانگر موضع "آپاگا" نیست.

نشریه در حکم و اصلاح مقاله‌ها مجاز است.

مقالات و مطالب رسیده باز گردانده نمی‌شود.

استفاده از مطالب "آپاگا" با ذکر ماخذ آزاد است.

شمارگان ۱۰۰ بها ۵۰۰ تومان

چاپ احسان-تهران چهارراه ولیعصر پلاک ۱۱۴۸

اقوام و مردمان آلبانیا تاریخ زندگی و اعتقادات آنان

دکتر ادیک باغداساریان

مردم ساکن آلبانیا تک عنصری نبودند بلکه از آمیزش بیش از بیست قوم مختلف پدید آمده بودند. قدیمی ترین مرکز اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آلبانیا یا آران جلگه آوتاران Avtaran بود. در اینجا جوامع باستانی شهری با مرکزیت کاباگاک تشکیل گردید. با اضمحلال جامعه هلنیستی پیش از میلاد نظام طبقاتی تشکیل گردید. بر پایه ۲۶ طایفه و اتحاد قومی در سده نخست پیش از میلاد حکومت برده داری پادشاهی آران تشکیل شد. این اتحاد قومی با برخورداری از مناسبات بسیار نزدیک با ارمنستان، تحت تاثیر شدید سیاسی و فرهنگی آن قرار داشت. سپاه سلطنتی آلبانیا (۲۲،۰۰۰ سواره نظام و ۶۲،۰۰۰ پیاده نظام) با شکل و تشکلات خود مانند سپاه ارمنستان بود. آنها در قالب سپاه عظیم تیگران بزرگ پادشاه ارمنستان در برابر رومیان جنگیدند. اُرویز (Oruyz) پادشاه آلبانیا در سال ۶۵ پ.م. در برابر سپاه پومپئوس نبرد کرد و باعث تلفات بسیاری در سپاه دشمن گردید. لیکن بعدها مجبور شد پیمان صلح با پومپئوس منعقد کند و در جرگه هم پیمانان او در آید.

کوندیوس کراسوس در سال ۳۶ پیش از میلاد به آران لشکرکشی کرد و زوبیرا (Zobira) پادشاه این سرزمین را مجبور به رعایت پیمان سال ۶۵ پ.م. نمود. در اثر قیام بزرگ سال ۲۰ پ.م. در ارمنستان بزرگ این سرزمین نیز استقلال یافت.

در سده نخست و نیمه سده دوم میلادی پادشاهی اشکانی ماساژت در غرب آران با شهر چوغ (Chogh) به عنوان پایتخت آن بر پا بود. برخلاف خاندان اشکانی ارمنستان که تلاش می کرد خود را مستقل از اشکانیان ایران نگاه دارد، اشکانیان آران از سده چهارم میلادی به بعد معمولاً تحت تاثیر سیاسی در بار ایران بودند و به تحریک آن گهگاه در مناطق نزدیک مرزهای ارمنستان دست به شورش می زدند. لیکن اقدامات شاهان آران یعنی سانسان (Sanesan) و اورنایر (Urna yr) قرین موفقیت نمی گردد. پادشاه اورنایر در دهه ۳۷۰ دین مسیحی را پذیرفت و یکی از جانشینان او یساوغن (Yesvagh en) که مناسبات بسیار دوستانه ای با ارمنستان داشت رسالت مسروپ ماشوتس مبدع الفبای ارمنی را پذیرفت و به او در تدوین کتابت آرائی یاری داد.

پس از تقسیم ارمنستان بزرگ میان روم و ایران در سال ۳۸۷م. دولت جبار ساسانی استان های آرتساخ (Artsakh) و اوتیک (Utik) ارمنستان شرقی را به آران پیوند داده «مرزبانی آران» را تشکیل داد. از آن پس نام آران مفهوم جغرافیایی-سیاسی پیدا نمود. این مرزبانی تا یورش تازیان پابرهنه به حیات خود ادامه داد. این مرزبانی سرزمینی متشکل از اقوام گوناگون بود. خاندان های حکمران و فئودال ارمنی معروف به ناخاراها با تکیه بر ارمنیان این سرزمین زندگی و امور داخلی مرزبانی را اداره می کردند.

تا سال ۴۶۲م. شهر کاپاگاک پایتخت مرزبانی بود. در سالهای ۶۳۶-۴۶۲ شهر پیروز آباد یا پارتاو یا پرتوه پایتخت و مرکز این سرزمین گردید. در سال ۶۳۶ شخصی به نام وارا-گریگور (از خاندان مهرانیان) "نخستین حاکم" آران گردید. خاندان مهرانیان پس از چیرگی تازیان تبدیل به کارگزاران آنان شدند و در سال ۷۰۶ حکمرانی آنان مضمحل شده سرزمین آنان به نایب السلطنه «آرمینا» یا ارمینه پیوست. حکمرانان ارمنی آرتساخ و اوتیک تا اواخر سده ۹ م. به موجودیت خود ادامه دادند و از این زمان به پادشاهی باگراتونی پیوستند.

بر خلاف آران مرزبانی، قلمرو پیشین پادشاهی آران در منابع ارمنی بصورت «آران اصلی» یاد می شود. حکمرانی های ارمنی در قلمرو آران از جمله پادشاهی محلی آرانشاهیان یا آرانشاهیک ها موجودیت خود را حفظ کردند.

در سده پنجم اقوام خزر اغلب به قفقاز حمله می کردند لذا خسرو انوشیروان اول (۵۷۹-۵۳۱م.) نواحی ساحلی چوغ، در بند و مناطقی از داغستان جنوبی را تصرف کرد و برج و بارو هایی در مرزهای دربند بنا نمود.

به کمک ساسانیان روسای طوایف آن مناطق که توسط مورخان ارمنی چون یغیشه، پاوستوس بوزاند و دیگران «شاه» خوانده شده اند، قلمرو حکومتی خود را تحکیم بخشیدند. آنچه دوم شاه سلسله آرانشاهیک یا آرانشاهیان، شهر پارتاو را بعنوان پایتخت بنا نمود.

پس از تسلط تازیان آران جزو «ارمینه» در آمد. واحدهای نظامی برخی طوایف کوچ نشین مسلمان از سوی تازیان مهاجم در پارتاو، چوغ و شاماخی اسکان گزیدند.

هنگام قیام خرمیان (بابک خرم دین) در سالهای ۹۳۷-۸۰۹ خلافت تازی نفوذ خود را در این ناحیه از دست داد. پس از فرو نشاندن آتش قیام و دستگیری بابک (۸۷۳)، سهل-سمبات حاکم خاچن در آرتساخ با لقب «بطریق الران» صاحب آران شد. بعدها بتدریج حکمرانی های محلی گدیچ، بلوکان (بایلاکان)، پارسویس و گاردمان بر پا شدند. در نیمه دوم سده نهم وقتی که حکومت در حال اضمحلال خلفا پادشاهی باگراتونیان ارمنستان را به رسمیت شناخت، حکومت های

خاچن، پاريسوس، گاردمال، باپلاکان، ديزاک وارد قلمرو ارمنستان شدند. گريگور - هامام نوه سمبات آران شاه مرزهای حکومت خود را در شمال به کوه های قفقاز گسترش داد و سرزمینهای شاکي (شکي) و زاناراتس را ضمیمه حکومت خود ساخت و در سال ۸۹۳ خود را «شاه آران» نامید. در سده دهم میلادی پادشاهی باگراتونی در شیراک قلمرو آرتساخ و اوتیک را ضمیمه قلمرو خود نمود.

پس از مرگ گريگور- هامام پادشاهی او چند تکه شد. از رود کر تا مناطق جنوب تا کوه های مراو با مرکز پاريسوس به ساهاک-سوادا فرزند گريگور- هامام رسید. این پادشاهی بعنوان یکی از توابع پادشاهی باگراتونی آنی تا نیمه سده ۱۱ و تا قتل خائانه پیلپیه (فیلیپه) فرزند گريگور توسط امیر گنجه دوام یافت.

لقب «پادشاه آران» پس از آن در تعلق سلسله حکمرانی کیوریکیان در لری قرار می گیرد. آرتنوسه نوه گريگور- هامام در سالهای ۹۵۰-۸۹۷ در آنسوی رود کر با لقب «پادشاه آران» حکومت کرد. پس از او سوادا-ایشخانیک (۹۶۰-۹۵۰) با باگراتونیان گرجستان هم پیمان گردید و به مکتب خالسدونی گروید.

بعدها در سال ۱۱۰۴ داویت شینارار (داویت سازنده) این پادشاهی را به گرجستان منظم نمود. بقاهای خلفای تازی کماکان در امیر نشین های پارتاو و گنجه باقی ماندند. پارتاو در سال ۹۱۳ و ۹۴۴ ویران گردید و گنجه توانست به حیات خود ادامه داده در سایه حکومت شدادیان کرد تبار رونق یافت. در آن بخش از آران که از رود کر بسوی شمال شرق قرار داشتند، امیر شماخی حکومت خود را تا باکو، در بند گسترش داد و پادشاهی شیروانشاهیان را تاسیس نمود.

بعدها بتدریج حاکمان شدادیان و دیگر امرای مسلمان، دشت های این سرزمین و آرتساخ را تصرف کردند. از نیمه های سده ۱۱ م. حملات ترکان سلجوقی آغاز گردید و مهاجرت اقوام کوچ نشین ترک از آسیای میانه به این سرزمین گسترش یافت و دشت های سبز میان رودهای ارس و کر چراگاه های مطلوب آنان گردید.

حملات و لشکرکشی های ترکان سلجوقی و سپس تانارها و مغولان مانع از پیشرفت و رونق این سرزمین گردید و بافت جمعیتی و قومی اوتیک را تغییر داد. اقوام آغوز-ترکمان آسیای میانه بتدریج بر این سرزمین چیره شدند و نام آران یا آوانک تنها بر پیشانی حوزه کلیسایی گانزاسار بعنوان مرکز معنوی و روحانی حکومت های محلی ارمنی قراباغ باقی ماند.

آرانیان عموماً به شغل کشاورزی و دامداری مشغول بودند. یافته های باستان شناسی حاکی از مدارکی چون ابزار و وسایل کشاورزی، داس و سنگ آسیاب، تیر، وسایل برنده، کارد،

بقایای غلات، استخوان های بجا مانده از اسکلت حیوانات اهلی چون گاو و بز، خوک و گراز، سگ، اسب، قاطر و پرندگان و ماکیان، چاه های حفر شده برای نگهداری غلات، خمره های نگهداری مواد خوراکی و بسیاری آثار همانند اینان نشان دهنده چگونگی زندگی اهالی قدیمی آران هستند.

زمین و خاک نقش پایه ای در زندگی اقتصادی آرانیان داشت. در زمان های دورتر کشاورزی توسط ابزارهای ساده دستی مانند بیل و امثال آن صورت می گرفت و تنها در اواخر هزاره نخست پیش از میلاد بود که گاو آهن چوبی یا بهتر است بگوییم وسایل شخم زنی چوبی رایج گردید. تیغه آهنی هنوز حتی در زمان استرابون بکار نمی رفت. بر خلاف ارمنستان که کشاورزی بصورت دیم و آبیاری صورت می گرفت، زمین های حاصلخیز آران تنها به یک روش دیم آبیاری می شد.

ساکنان قدیمی آران نخست محصولات کشاورزی خود را توسط داس های سنگی ولی بعدها فلزی گردآوری می کردند. آنها پوست غلات را با سندان های سنگی جدا می ساختند و توسط آسیاب های سنگی آرد بدست می آوردند. آنها احتمالاً از چم نیز استفاده می کردند.

یکی از مهمترین مشغله های آرانیان را دامداری تشکیل می داد زیرا کلیه منابع و نیازهای کار برایشان فراهم بود، از جمله چراگاه های سبز و وسیع، آب و غیره.

اهالی آران به محصول انگور و پرورش تاکستانها اهمیت زیادی می دادند. آنها به صیفی کاری و پرورش و گسترش بوستان ها و باغها نیز می پرداختند. پرورش زیتون و استخراج روغن آن رواج داشت. محصولات دیگر آنها شامل پنبه، ابریشم و حریر بافی بود^۱.

آرانیان فرصت صید ماهی را نیز از دست نمی دادند و ماهیگیری یکی از منابع تامین غذا و آذوقه بود. آنان غیر از موارد یاد شده به داد و ستد نیز می پرداختند. همانند دیگر اقوام، آنها نیز در آغاز مبادله کالایی می کردند و مبادله پولی رایج نبود. حتی استرابون نیز به این امر اشاره نموده است^۲.

آرانیان آفتابپرست بودند و بویژه ماه را می پرستیدند و استرابون زیارتگاهی برای آن در مرزهای ایبریا قید کرده است^۳. این پرستش آسمانی بر روی اشیاء سفالی نیز انعکاس یافته اند.

^۱ - موسس کاغانکاتوانسی، کتاب اول، فصل پنجم.

^۲ - استرابون، کتاب ۱۱، فصل اول شماره ۴.

^۳ - همانجا، شماره ۷.

آنها به احترام خدایان خود پرستشگاه هایی تاسیس می کردند و قربانی هدیه می دادند. حتی میان این قربانیان، اشخاص نیز دیده شده اند و استرابون در این خصوص یادداشتی دارد.^۴ تصاویری برای آنها روی صخره های کویبستان باقی مانده است.

موسس کاغانکاتواتسی نیز در سده های بعد در مورد قربانی انسانی در پرستشگاه ها مطالبی ضبط کرده است.^۵

کاغانکاتواتسی می نویسد: «واچاگان که مورد لطف و عنایت خداوند بود فرمان داد تا جادوگران، دیسه گران، مغان، فرزندان عطاران و انگشت بران را گرد آورده در مدارس تعلیم خداشناسی دهند و راه و روش زندگی را بر اساس اصول مسیحیت به آنها بیاموزند...»^۶.

جالب است که در کنار پرستشگاه مزارع کشاورزی وجود داشت که مغان بر آنها سرپرستی می کردند. آرائیان احترام خاصی نسبت به پیشینیان خود داشتند. سخن گفتن در باره درگذشتگان تجاوز به مقدسات محسوب می شد. معمولاً کلیه اموال و دارایی های منقول درگذشتگان را با آنها دفن می کردند به همین دلیل نیز آرائیان همواره از دارایی ها و ارث پدری محروم بودند و در تنگدستی زندگی می کردند.^۷

^۴ - همانجا. شماره ۷.

^۵ - موسس. همانجا کتاب اول، فصل ۱۸.

^۶ - همانجا. کتاب اول، فصل ۱۸. ایروان: ۱۹۶۹. ص ۳۸.

^۷ - استرابون. کتاب اول، فصل ۱، شماره ۸.